

## کلاس هنرپیشگی



نویسنده و کارگردان: علیرضا داوودنژاد

بازیگران: احترام السادات حبیبیان، کبری حسن زاده، اقدس سعادت رضایی، محمدرضا داوودنژاد، رضا داوودنژاد، زهرا داوودنژاد، فاطمه داوودنژاد، علی داوودنژاد، عباس حبیبیان، زهرا حبیبیان، پردیس احمدیه  
محصول ۱۳۹۰

این اولین بار نیست که علیرضا داوودنژاد به قول خودش اعضای خانواده‌اش را دور هم جمع کرده و فیلم ساخته است. او که پیش از این با آثاری همچون «مصائب شیرین» قالب مستندنما را با حضور اعضای خانواده‌اش در نقش بازیگران امتحان کرده بود در «کلاس هنرپیشگی» رسماً تمام خانواده‌اش را جمع می‌کند تا فیلمی درباره عشق به سینما و بازیگری بسازد، و البته عشق به زندگی و هم‌نوع.

فیلم داستان خانواده‌ای را روایت می‌کند، که داوودنژاد از ابتدا نسبت خود با آنها را با حضور در صحنه اعلام می‌کند، اما قرار است آنها را به عنوان بازیگرهای قصه بی‌بریم و می‌پد بریم. به مادر بزرگ این خانواده (احترام السادات حبیبیان که با نام خودش در فیلم حضور دارد)، که با پسر و نوه‌اش (محمدرضا و رضا داوودنژاد که بر خلاف زندگی واقعی که عمو و عموزاده هستند، اینجا نقش پدر و پسر را بازی می‌کنند) در یک خانه زندگی می‌کند، خبر می‌رسد که سکه گران شده است و از سوی یکی از پسرانش تحت فشار قرار می‌گیرد که خانه مادری را بفروشد و تبدیل به سکه کنند. محمدرضا که مادر به ساعت‌ها خودش را در اتاق حبس کردن اعتراض دارد، با این کار مخالف است و همین مخالفت سرمنشاء دعوی خانواده‌ای است. دعوی که مادر بزرگ را به نشانه اعتراض به سکوت می‌کشاند و خانواده را تا مرز از هم پاشیدن پیش می‌برد. یک خرده روایت مثلث عشقی هم این میان بین یکی از نوه‌های مادر بزرگ، علی عاشق پیشه و آس و پاس (علی داوودنژاد که او هم با اسم خودش در فیلم حضور دارد) و دختر عمویش نیکی (پردیس احمدیه) و شخص سوم با نام کوشان (کوشان بهرامی)، پسری ثروتمند و به ظاهر تازه به دوران رسیده، شکل می‌گیرد که فکر می‌کند می‌تواند با پول حتی عشق را هم بخرد. خوشبختانه در نهایت از آنجا که با فیلم مواجهیم و در عالم سینما عشق می‌تواند به خواست کارگردان بر ثروت پیروز شود، نه خانواده دوست‌داشتنی داوودنژاد از هم می‌پاشد و نه عشق معصوم علی و نیکی بی‌سرانجام می‌ماند. و این بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پیام و هدف «کلاس هنرپیشگی» است: پیروزی عشق در زندگی. داوودنژاد با گسستی که به طور دائم در روایت قصه و فرایند فیلمسازی به وجود می‌آورد، به مخاطب یادآوری می‌کند که این سینماست اما می‌توان سینما را زندگی بازیگری را تبدیل به سینما کرد. او که آشکارا در پرداخت قصه از بعضی روایت‌های شخصی خانواده‌ای خودش استفاده کرده است، اجازه نمی‌دهد این قصه‌ی تقریباً و به ظاهر شخصی در لحظاتی که سینما در حال شکل گرفتن یا همان کلاس هنرپیشگی برپاست، از قالب سینما بیرون بزند.

## شبح کژدم



نویسنده و کارگردان: کیانوش عیاری  
بازیگران: جهانگیر الماسی، محسن رضایی، کاظم افرندنیا، ناصر آقایی، فرزانه کابلی، نعمت‌الله گرجی، اکبر دودکار  
محصول ۱۳۶۵

یکی از فیلم‌های پیشگام سینمای ایران و از جمله ساخته‌های خوب کیانوش عیاری که همچون بسیاری از فیلم‌های با محوریت موضوع سینما فیلم در دل فیلم است. یک روایت قصه محمود (جهانگیر الماسی) فیلمساز فیلم‌های هشت میلی‌متری شیفته سینما و سینمای هشت میلی‌متری است که فیلمنامه‌ای به نام «کژدم» نوشته و می‌خواهد آن را بسازد اما امکانات لازم برای این کار را ندارد و نمی‌تواند تهیه‌کننده پیدا کند. روایت دیگر خود فیلمنامه محمود است که قصه جوانی است که با همکاری دوست و نامزدش به یک پلافروشی دستبرد می‌زند. نقطه تلاقی این دو روایت جایی است که محمود در درگیری با سوزهی قصه‌اش تصمیم می‌گیرد به همراه دوستش حسن (حسن رضایی)، که سیاهی لشکر فیلم‌های اکشن به اصطلاح کتک خور سینماست، قصه‌ی فیلمنامه را در زندگی واقعی پیاده کند اما آخر قصه‌ی واقعی متفاوت از فیلمنامه تمام می‌شود.

عیاری با این شکل روایت و پیشبرد دو قصه در دل هم با نگاهی انتقادی فضای حاکم بر سینمای قبل انقلاب و فرایند ساخت فیلم را به تصویر می‌کشد و هم با قهرمانش همدلی می‌کند که چون نمی‌تواند رؤیاهایش را به حقیقت تبدیل کند، جایی میان مرز واقعیت و خیال، آنجا که سوزه بقمه مؤلف را می‌گیرد، گم می‌شود و به ضد قهرمان تبدیل می‌شود. از سویی، از ماهیت خودشیفته بی‌رحم سینما که می‌تواند شیفته‌گانش را در خود بلعد، پرده برمی‌دارد و در دل تمام اینها طمع حاصل از پول را نیز نگوشت می‌کند.

## کلوزاپ



نویسنده و کارگردان: عباس کیارستمی  
بازیگران: حسین سبزیان، حسن فراز مند، هوشنگ شماعی، ابوالفضل آهن خواه، مهرداد آهن خواه، نیر محسنی زنوزی، محسن مخملباف، عباس کیارستمی  
محصول ۱۳۶۸

فیلمی پر افتخار و در سطح جهانی تحسین شده با عنوان ریز و درشت از عباس کیارستمی درباره سینما که از قضا ارتباطی با محسن مخملباف دارد. سوزهای ناب برای سینمای کیارستمی که در واقع معرف سبک فیلمسازی کیارستمی به سینمای جهان و منبع الهام فیلمسازان زیادی از نسل‌های آینده ایران بوده است، مستندی داستانی بر

اساس رویدادی واقعی است که در اواخر دهه شصت در شمال تهران رخ داد و کیارستمی خبر آن را در مقاله‌ای که حسن فراز مند برای مجله سروش نوشته بود خواند.

ماجرای این قرار بوده است که شخصی به نام حسین سبزیان به دلیل شباهت به محسن مخملباف خودش را به نام او به خانواده آهن خواه جامی زند و به بهانه ساختن یک فیلم به خانه آنها راه پیدا می‌کند، به پسر علاقه‌مند به سینمای خانواده نزدیک می‌شود، خانه را تبدیل به لوکیشن می‌کند و شروع می‌کند به تمرین صحنه‌های فیلم با اعضای خانواده. اما در نهایت به دلیل شک پدر خانواده لو می‌رود و کار به مطبوعات و دادگاه می‌گردد.

آنچه در فیلم روایت می‌شود شرح مستند وقایعی است که در روند این ماجرا رخ داده است. از آشنایی سبزیان با این خانواده تا دادگاه و روز آزادی سبزیان که محسن مخملباف واقعی به دیدارش می‌رود و این دو سوار بر موتور به اتفاق به دیدار خانواده آهن خواه می‌روند تا رفع کدورت کنند. در خلال فیلم، سبزیان در مقابل دوربین و در دادگاهی که کیارستمی برایش ترتیب داده است، از انگیزه‌های ارتکاب این جرم و عمل غیر اخلاقی می‌گوید.